

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال سوم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۹۱

صفحات: ۹۸ - ۸۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۶/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۹

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر عملکرد زنان در حفظ محیط زیست

محسن نجفیان*

روح انگیز نامداری**

چکیده

تحقیق حاضر در پی یافتن عوامل اجتماعی-اقتصادی است که بر عملکرد زنان در جهت حفظ محیط زیست اطراف خود و خانواده آنان موثر است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی آبادان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بود. در این مطالعه از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد. نمونه آماری ۱۹۸ دانشجوی زن بود. روش پژوهش در این مطالعه توصیفی و از نوع همبستگی بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که عامل اجتماعی بیش از عوامل اقتصادی بر عملکرد زنان در جهت حفظ محیط زیست شهرستان آبادان تاثیر دارد.

کلید واژگان: محیط زیست، زنان، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی

*دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، گروه مدیریت بازرگانی، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول) mn1354@gmail.com

**دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، گروه مدیریت بازرگانی، آبادان، ایران.

مقاله حاضر بر گرفته از طرح پژوهشی بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر عملکرد زنان در حفظ محیط زیست شهرستان آبادان ۸۹-۱۳۸۸ می باشد.

مقدمه

آدمی باید دریابد که نمی تواند ارباب عالم باشد و بر طبیعت سیطره یابد، بلکه مهمان یا پشتکار با محیط است، در دنیای کنونی که از بین بردن حقوق محیط زیست بسیار گسترده در حال انجام می باشد، اندیشه بر آن است که تنها راه جلوگیری از این خطر یاری جستن از زنان است. زیرا، دامان مادر اولین مدرسه ای است که هر کودک، علاوه بر القای عشق، با خوب و بد زندگی آشنا می شود. پس گزاره نیست اگر نقش و سهم زنان را در پی ریزی آینده جوامع بسیار بیش از نیمه بدانیم. زنان همواره ارتباط نزدیکی با محیط زیست دارند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از آن بهره مند می شوند. بنابراین بجاست که به فعالیتهای زیست محیطی آنها توجه ویژه شود. زنان می توانند مسیر بسیاری از رفتارهای پرخطر ضد محیط زیست را تغییر دهند. اگر زنان از مشکلات زیست محیطی و روشهای مقابله با آنها آگاه شوند، تاثیر بسیاری در کودکان، اعضای خانواده و اطرافیان خود خواهند گذاشت. آنان می توانند علاوه بر مراقبت از کودکان و کار در خانه و بیرون از خانه، نقش نگهبان محیط زیست را هم ایفا کنند. امروزه موضوع محیط زیست بیش از هر چیز موضوعی اجتماعی و نه امری فنی، شاید ۹۰ درصد مشکلات محیط زیست کشور مربوط به رعایت نکردن قانون (و در بعضی موارد کمبود یا ضعف قانون)، کمبود آموزش اصول محیط زیستی پایه، بی ثباتی اجتماعی و اقتصادی باشد. درصد کمی از مشکلات مانند گرمایش زمین از نوع تخصصی و پیچیده می باشد. به گونه ای که حتی کشورهای پیشرفته هم نتوانسته اند آن را حل کنند.

"زنان و ضرورت مشارکت آنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار" عنوان مقاله ای از سلطانی (۱۳۷۸) است. او به اصل بیستم منشور زمین ۱۹۹۲ ریبو اشاره می نماید که در آن به مشارکت زنان تاکید شده است. سومین بخش از متن نهایی دستورکار، به تقویت نقش گروه های اجتماعی به ویژه زنان در حرکت های اجتماعی و زیست محیطی اختصاص یافته و بر رفع موانع مشارکت زنان، ارزیابی اثرات مشارکت زنان در برنامه محیط زیست و حل مشکل بی سوادی آنان و امکانات بهداشتی و اشتغال تاکید شده است. سلطانی تدوین برنامه ای با عنوان "عزم ملی برای حفاظت از محیط زیست" را از جمله اقداماتی می داند که در آن استفاده از توان بالقوه زنان در راستای حفظ محیط زیست توجه شده است.

فارسی منفرد (۱۳۷۶) در پژوهشی "فعالتهای زیست محیطی زنان" به موارد چندی اشاره دارد. او فعالتهای ۵ ساله نمایندگی دفتر امور زنان در سازمان حفظ محیط زیست را در طی سال ۷۵-۷۱ بر اساس زنان شاغل، طرحها و مقالات زیست محیطی، تاسیس سازمان های غیردولتی، شرکت در سمینارهای داخلی و خارجی... طبقه بندی نمود که تمامی موارد رو به رشد و فزونی داشته است. او در بخش دیگری تاسیس جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست را با هدف پشتیبانی از اصل پنجاهم قانون اساسی کشور و تاسیس انجمن زنان طرفدار توسعه پایدار، را از جمله اقدامات اساسی به منظور تبادلات مشارکت زنان در امر حفظ محیط زیست می شمارد.

آصفی راد (۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی نقش زنان روستایی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست" به مشکلاتی که بر سر راه حفاظت از محیط زیست وجود دارد اشاره می کند که از آن جمله بهره برداری بی رویه از مراتع و جنگلهاست که موجب کاهش آبهای زیر زمینی و

فرسایش خاک می شود، همچنین ناآگاهی زنان از اثرات زیست محیطی مواد شیمیایی خانگی از قبیل پاک کننده ها و سفیدکننده ها، عدم به کارگیری وسایل ایمنی در کاربرد موادشیمیایی، حشره کش ها، هدایت و نظارت مسئولین و دست اندرکاران در قالب طرح های مشارکتی است.

طاهری و راحمی (۱۳۸۳) نتایج حاصل از پژوهش خود را چنین گزارش کردند که میزان آگاهی افراد شرکت کننده باسطح تحصیلات بالاتر در رابطه با عوامل مختلف زیست محیطی زیست بیشتر از افراد با تحصیلات کمتر بود و افراد احساس مسئولیت برای اصلاح مشکلات موجود در محیط زیست را در حدود ۳۰ درصد مربوط به خود و ۶۰ درصد مربوط به دولت می دانستند عملکرد افراد در رابطه با حفظ محیط زیست بستگی به امکاناتی دارد که در اختیار دارند.

رضانی (۱۳۸۸) در تحقیق خود عدالت زیست محیطی را به سه جنبه عدالت میان انسان ها در تقسیم بهره مندی از محیط زیست، عدالت میان نسل های کنونی و آینده بشریت، و عدالت میان گونه ها (انسان و دیگرگونه ها) تاکید دارد بدین ترتیب، در رویکرد زیست محوری، احترام به محیط زیست، تنها به خاطر خود محیط زیست، و نه بخاطر سودی که برای انسان دارد، صورت می گیرد. زنان با داشتن یش از نیمی از جمعیت جهان و توانایی انجام نقش های گوناگون در جامعه می توانند افزون بر تکالیف خانوادگی، در حرکت های اجتماعی، که یکی از آن همکاری در نگاهداری از محیط زیست است، نقش آفرینی کنند.

افشار نادری، (۱۳۸۹) گزارش می کند که آگاه نبودن زنان از عواملی است که باعث تخریب محیط زیست می گردد و یکی از مهمترین اقدامات در جهت بهبود حفظ محیط زیست آگاهی زنان است. بدون شک تحولات اجتماعی که اکنون مشاهده می شود از لحاظ افزایش میزان سود و سطح زندگی دارای اثر مثبت خواهد بود ولی ضمناً همین تحولات از لحاظ الگوی مصرفی افزایش مصرف انواع مواد سمی و مصنوعات مانند آفت کش ها، حشره کش ها، پلاستیک ها و غیره اگر با آگاهی بیشتر و راهنماییهای صحیح همراه نباشند اثرات نامطلوب خواهند داشت. او می نویسد شرایط اقلیمی و سن و تعصبات محلی نیز در برخی موارد در محیط زیست تاثیر نامطلوب می گذارد.

ویکس^۱ (۱۹۹۹) اشاره می نماید که از ضرب سه عامل اندازه جمعیت و وفور سرانه مصرف و تاثیر تکنولوژی برای عرضه هر واحد مصرف تاثیر کلی محیط زیست حاصل می شود

سی سر چلا^۲ (۲۰۰۱) عنوان می کند تقاضای جهانی برای استفاده از منابع طبیعی سلامت محیط را با خطر مواجه ساخته و تنها راه مقابل با این خطرات ایجاد گروه های دولتی و خصوصی (مانند سازمانهای حفاظت از محیط زیست)، و آموزش مردم در این خصوص است. او بیان می کند که زنان می توانند فعالترین مشارکت کنندگان در زمینه حفاظت از محیط زیست باشند در صورتیکه آنان را آگاه ساخت.

¹. Weeks

². Cesar Chelala

سن^۱ (۱۹۹۰) زنان را دارای مسئولیتهای فرزندآوری و تامین منابع کافی برای نیازهای فرزندان از جهت تغذیه، مراقبتهای بهداشتی و آموزشی می‌داند، و می‌نویسد که در کشورهای در حال توسعه، زنان مسئول منابع اولیه خانواده مثل آب، غذا هستند. آنها جهت امرار معاش در ارتباط مستقیم با محیط زیست هستند.

هوین^۲ (۲۰۰۵) به نقش مشارکت زنان مهم آنها در حفظ محیط زیست تاکید می‌نماید. او بر این نکته تاکید دارد که تجارب صندوق زیست محیطی سیدا نشان می‌دهد که حمایت کردن از زنان فعال، اثرات زیادی بر آگاهی‌های عمومی و موضوعات محیط زیستی مثل آموزش زیست محیطی داشته است.

اوفی-مانو^۳ (۲۰۰۹ ژاپن) تحقیقی در زمینه جنسیت و محیط زیست در میان کارکنان شرکتهای ژاپنی انجام داد و چنین نتیجه گرفت که در محیط‌های صنعتی و خدماتی که مردسالاری حاکم است، زنان عملکرد و نگرش مثبت بالایی نسبت به محیط زیست اطراف خود در مقایسه با مردان دارند، این مطالعه نیز نشان داد که زنان علاقه مندی بیشتری جهت شرکت در برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط زیست از خود نشان می‌دهند.

با توجه به مطالب ارائه شده و تاثیر نقش و مشارکت زنان در حفظ محیط زیست، کاهش مصرف و آشنایی زنان با شیوه صحیح مصرف منابع، روشهای صرفه جویی در مصرف انرژی، استفاده نمودن یا عدم استفاده از کالاهای یکبار مصرف، نحوه برخورد با زباله‌های سمی خانگی، آگاهی شیوه بازیافت مواد، از جمله مواردی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان زن در حال تحصیل دانشگاه آزاد اسلامی آبادان در رشته‌های مختلف در نیمسال دوم ۸۹-۱۳۸۸ بوده‌اند. شیوه نمونه‌گیری بصورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. به این صورت که ابتدا ۸ مشخصه کلاسی بصورت تصادفی از مشخصه‌های کلاسها انتخاب گردید و از بین دانشجویان زن حاضر در کلاس بصورت تصادفی نمونه‌گیری شده است. نمونه جمع‌آوری شده شامل ۱۹۸ زن می‌باشد که دارای دامنه سنی ۵۶-۱۹ با میانگین سنی ۲۸/۱۷ و انحراف معیار ۷/۰۲ سال می‌باشد.

ابزار اندازه‌گیری

برای سنجش عملکرد زنان نسبت به محیط زیست مقیاس ارائه شده در پژوهش محمدی نیا (۱۳۸۰) می‌باشد. این مقیاس دارای ۱۳ گویه (مانند: چقدر از وسایل یکبارمصرف استفاده می‌کنید؟

^۱. Sen

^۲. Huyen

^۳. Ofei-Manu

یا چقدر به کاشتن گل و گیاه اقدام می کنید؟) است که هر یک از آنها با طیف لیکرت (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد =۵) اندازه گیری می شود. ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی عملکرد نسبت به حفظ محیط زیست در این پژوهش ۰/۶۱ به دست آمده است. دیدگاهها ی مربوط به عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتباط با محیط زیست با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بود که هر کدام شامل ۱۰ گویه هستند (چقدر از درآمد خود را جهت حفظ محیط زیست هزینه می کنید؟. نمونه ای است از گویه های اجتماعی، و چقدر در تشکلهای مربوط به محیط زیست شرکت می کنید؟ نمونه ای است از گویه های اجتماعی) که هر یک از گویه ها با طیف لیکرت (خیلی کم ۱ تا خیلی زیاد ۵) اندازه گیری شده اند. مجموع گویه ها برای هر یک از عامل ها به عنوان دیدگاه اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته می شود. مقدار ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای عامل اجتماعی ۰/۶۳ و عامل اقتصادی ۰/۷۱ به دست آمده است.

یافته های پژوهش

جدول ۱: آماره ها توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۱۹۸)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	کمینه	بیشینه
عملکرد	۴۰/۹۴	۶/۶۰	-۰/۳۳	۰-/۳۹	۲۲	۵۵
اجتماعی	۳۴/۲۱	۴/۹۸	۰/۱۸	-۰/۰۹	۲۳	۴۸
اقتصادی	۳۷/۶۱	۵/۳۳	-۰/۲۵	-۰/۴۷	۲۵	۴۹

جدول فوق نشان می دهد که میانگین عملکرد ۴۰/۹۴ و عوامل اجتماعی ۳۴/۲۱ و عوامل اقتصادی ۳۷/۶۱ می باشد.

فرضیه اول: بین عوامل اجتماعی با عملکرد زنان در حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.
فرضیه دوم: بین عوامل اقتصادی با عملکرد زنان در حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.
فرضیه سوم: بین عوامل اجتماعی و اقتصادی با عملکرد زنان در حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.

جدول ۲: همبستگی بین متغیرهای پژوهشی
(مقدار درون پراکنش سطح معنی داری آماره آزمون)

متغیر	اجتماعی	اقتصادی
عملکرد	۰/۳۰۵(۰/۰۰۰)	۰/۱۶(۰/۰۲۵)
اقتصادی	۰/۳۹(۰/۰۰۰)	

با توجه به جدول فوق بین عملکرد در جهت حفظ محیط زیست و عوامل اجتماعی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد

($r = 0.31$ و $p < 0.01$) بنابراین در سطح خطای یک درصد می توان ادعا کرد که بر خورداری از سطوح بالاتر اجتماعی باعث افزایش عملکرد در جهت حفظ محیط زیست می گردد. رابطه بین عملکرد و عوامل اقتصادی نیز رابطه معنی دار را نشان می دهد $r = 0.16$ و $p = 0.05$. بین عوامل اجتماعی و اقتصادی و عملکرد نسبت به محیط زیست نیز رابطه مثبت و معنی داری مشاهده می شود. $r = 0.39$

و $p=0/01$. فرضیه چهارم: بین عوامل اجتماعی و اقتصادی با عملکرد حفظ محیط زیست رابطه چندگانه وجود دارد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه روش رگرسیون چندگانه به روش برگشتی

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تصحیح شده R^2	خطای معیار	F	مقدار p
۱	۰/۳۱	۰/۰۹۵	۰/۰۸۶	۶/۲۸۲	۱۰/۲۳۳	۰/۰۰۰
۲	۰/۳۰	۰/۰۹۳	۰/۰۸۸	۶/۲۷۲	۲۰/۱۱۹	۰/۰۰۰

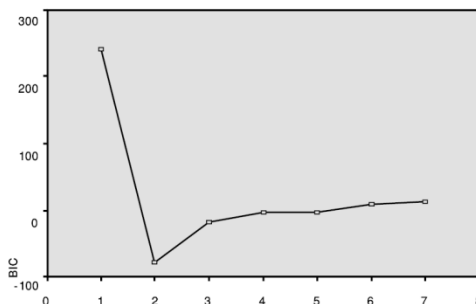
از جدول ۳ مشاهده می شود که در مدل ۱ که شامل ضرایب ثابت و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی برای پیش بینی عملکرد محیط زیست است. مقدار ضریب همبستگی چندگانه $0/31$ و فقط $8/6\%$ تغییرات متغیر عملکرد با عوامل اجتماعی و اقتصادی بیان می شود همچنین آزمون F نشان می دهد که فرض رابطه خطی بین عملکرد با عوامل اجتماعی و اقتصادی پذیرفتنی است ($p > 0/01$ و $F=10/233$). در مدل ۲ که فقط شامل متغیر اجتماعی است مقدار همبستگی $0/305$ می باشد و $8/8\%$ تغییرات عملکرد را می توان با این عامل بیان نمود همچنین بین عامل اجتماعی و عملکرد رابطه خطی وجود دارد ($p > 0/01$ و $F=20/119$)

جدول ۴: ضرایب رگرسیون عوامل اجتماعی و اقتصادی با عملکرد

مدل	پیش بینی کننده ها	ضرایب استاندارد نشده		t	P
		B	ضرایب استاندارد شده		
۱	ثابت	۲۵/۸۱	۳/۷۷	۶/۸۵۵	۰/۰۰۰
	اجتماعی	۰/۳۷۸	۰/۰۹۸	۳/۸۷۱	۰/۰۰۰
	اقتصادی	۰/۰۵۸	۰/۰۹۱	۰/۶۳۹	۰/۵۲۴
۲	ثابت	۲۷/۱۶۷	۳/۱۰۲	۸/۷۵۸	۰/۰۰۰
	اجتماعی	۰/۴۰۲	۰/۰۹	۴/۴۸۵	۰/۰۰۰

در جدول ۴ ضرایب رگرسیون برای مدل ۱ و ۲ گزارش شده است همانطور که دیده می شود در مدل اول ضریب عامل اقتصادی معنی دار نیست ($p > 0/05$ و $B=27/167$) بعد از خروج این عامل در مدل ۲ ضریب ثابت ($p > 0/01$ و $B=167/27$) و ضریب عامل اجتماعی ($p > 0/01$ و $B=0/402$) هر دو در سطح خطای یک درصد معنی دار هستند بنابراین مدل نهایی بصورت زیر خواهد بود. (عامل اجتماعی) $0/402 + 27/167 =$ عملکرد نسبت به محیط زیست بنابراین فرضیه چهارم پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

فرضیه پنجم: براساس عوامل اجتماعی و اقتصادی زنان چند دسته هستند.



شکل ۱: مقادیر اطلاع بیزی در مقابل تعداد خوشه ها

شکل (۱) نشان دهنده تغییرات معیار اطلاع بیزی در مقابل تعداد خوشه ها می باشد. با توجه به این شکل کمیته در تعداد خوشه ها مساوی با ۲ دیده می شود ($BIC = -76/22$) بنابراین برای فرضیه 5 می توان گفت که با عوامل اجتماعی و اقتصادی زنان نسبت به محیط زیست به دو دسته یا ۲ خوشه تفکیک می شوند. فرضیه ششم: بین عملکرد زنان در دسته های مختلف تفاوت وجود دارد.

جدول ۵: مقایسه میانگین های دیدگاه ه ها اقتصادی و اجتماعی به محیط زیست

مقدار p	درجه آزادی	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	خوشه	متغیر
۰/۰۰۰	۱۹۶	۸/۵	۴/۵۷	۳۶/۵۰	۱۱۱	۱	اجتماعی
			۳/۸۴	۳۱/۳۰	۸۷	۲	
۰/۰۰۰	۱۹۶	۱۷/۵۸	۳/۰۸	۴۱/۲۹	۱۱۱	۱	اقتصادی
			۳/۶۱	۳۲/۹۲	۸۷	۲	

تعداد $N=111$ زنان در خوشه اول و $N=87$ زنان در خوشه دوم قرار گرفته اند. برای عامل اجتماعی میانگین خوشه اول و خوشه دوم اختلاف معنی دار وجود دارد با توجه به مقدار میانگین مشاهده می گردد که سطح میانگین عامل اجتماعی در خوشه اول بیشتر خوشه دوم است. همچنین برای عامل اقتصادی نیز بین خوشه های اول و دوم اختلاف معنی دار است ($T = 17/58$ و $P > 0/01$) توجه به مقدار میانگین خوشه اول میانگین بیشتری برای عامل اقتصادی نسبت به خوشه دوم دارد. بنابراین فرضیه ششم تأیید شده (با توجه اینکه خوشه اول برای هر دو عامل اقتصادی و اجتماعی مقدار متوسط بیشتری نسبت به خوشه دوم دارد می توان این خوشه را دیدگاه مثبت به محیط زیست دانست و دیدگاه دوم را دیدگاه منفی نامید).

فرضیه هفتم: بین عملکرد زنان نسبت به محیط زیست با توجه به دیدگاههای مثبت و منفی براساس عوامل اجتماعی و اقتصادی تفاوت وجود دارد.

جدول ۶: مقایسه عملکرد نسبت به محیط زیست دیدگاه های مثبت و منفی به محیط زیست

مقدار p	درجه آزادی	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	عملکرد
۰/۰۰۰	۱۹۶	۳/۸۶	۶/۲۹	۴۸/۴۲	۱۱۱	مثبت
			۶/۴۲	۳۸/۹۷	۸۷	منفی

با توجه به مقدار میانگین هر یک از خوشه ها می توان نتیجه گرفت زنان که دارای دیدگاه مثبت نسبت به محیط زیست. ($p < 0/01$ و $T = 3/86$) هستند عملکرد بالاتری در حفظ محیط زیست نسبت به گروه دیگر دارند. با توجه به جدول فرضیه هفتم مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه گیری

طبق گزارش های به عمل آمده، جمعیت شهری جهان از ۲/۸۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۴/۹۸ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. که از ۲/۱۲ میلیارد اضافه جمعیت پیش بینی شده، تنها ۲۸ میلیون نفر در شهرهای کشورهای توسعه یافته و تقریباً حدود ۲ میلیارد نفر در شهرهای کشورهای در حال توسعه و جهان سوم ساکن خواهند شد. نرخ رشد جمعیت شهری جهان سالانه ۱/۸٪ و نرخ

رشد جمعیت روستایی ۰/۱٪ پیش بینی شده است. تا سال ۲۰۳۰ حدود ۶۰٪ جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد و بیشتر جمعیت شهرنشین جهان در شهرهای بالای یک میلیون نفر سکونت خواهند یافت.

این افزایش جمعیت به معنای از بین رفتن منابع طبیعی و تبدیل این منابع به کالاهای مصرفی و در نهایت تولید آلاینده ها و زباله ها بیشتر در محیط زیست است، که با توجه به اصل تنگنای محیط باید نوع و میزان تولید ضایعات و آلوده سازی با توانایی جذب و هضم سیستم شهری متناسب باشد. بیشتر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، با مسائل و مشکلات زیست محیطی فراوانی مواجه می شوند که ناشی از نبودن امکانات مناسب خدمات اولیه شهری است. برای مثال عدم جمع آوری به موقع زباله ها موجب بوی نامطبوع و افزایش مسائل عمومی و عضویت در نهادها و انجمن های داوطلبانه و مدنی در میان شهروندان (سرمایه اجتماعی)، عادات اجتماعی خوب و بد روی تولید سرانه مواد زائد موثر است. پایبندی به دین و تعلیمات مذهبی برای جلوگیری از اسراف و تبذیر، قناعت، مذمت پرخوری و..... همگی در تولید سرانه زباله نقش اساسی دارند. از طرف دیگر ریخت و پاش و عدم توجه به حفظ منابع منجر به افزایش میزان تولید سرانه مواد زائد شده است. برای مثال استفاده کمتر از پلاستیک و ظروف یکبار مصرف که پانصد سال وقت برای تجزیه آنها لازم است، در صورتی که در سطوح گسترده ای به آن عمل شود به حفاظت محیط زیست کمک شایانی خواهد کرد. اگر زنان از فرهنگ مناسبی در زمینه مصرف آب برخوردار باشند با انتقال این فرهنگ به اعضای خانواده می توانند سالانه ۱۵۰ هزار لیتر آب در خانواده صرفه جویی کنند. با توجه به جدول ۲ در این مطالعه می توان بیان نمود که بر خورد از سطوح بالاتر اجتماعی (تحصیلات فرد، تحصیلات والدین، ارتباط با دیگران و مشارکت در سازمانهای حمایت از محیط زیست و پایبندی به دین) در عملکرد زنان در حفظ محیط زیست تاثیر مثبت داشته، همانطور که عوامل اقتصادی (از جمله درآمد خانواده، سطح زندگی...) تاثیر گذار است. این نتایج با نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده توسط آصفی راد، راحمی و طاهری، رضایی، زنان نسبت به عملکردشان در جهت حفظ محیط زیست با هم تفاوت دارد و دو دسته می باشد. دیدگاه مثبت و منفی که بر عملکرد آنها تاثیر گذار است. در پژوهش انجام شده توسط پائول اوفی-مائو در سال ۲۰۰۹ نیز این نتیجه تایید شد. زنانی که نگرش مثبت بالایی نسبت به محیط زیست دارند عملکرد بالایی از خود نشان داده اند. در جداول ۶ و ۷ نشان داده شده است که عوامل اجتماعی نسبت به عوامل اقتصادی در جامعه آماری پژوهش بر عملکرد زنان بیشتر تاثیر گذار است. تجربه کشورهای غنی و توسعه یافته حاکی از این ادعا است. انسان در هر سطحی از توسعه بر محیط زیست تاثیر می گذارد، جمعیت، مصرف سرانه و آسیبهای محیطی ایجاد شده با استفاده از فن آوری برای تولید آنچه مصرف می گردد، بیشترین تاثیر را بر محیط زیست جهانی گذاشته است. ۲۰ درصد از مردم جهان که در کشورهای غنی زندگی می کنند مصرف ۸۶ درصد از کالاهای تولیدی را به خوبی اختصاص می دهند، در صورتی که ۲۰ درصد از جمعیت که در کشورهای فقیر زندگی می کنند فقط ۱/۳ درصد از کالاهای تولیدی را مصرف می کنند. یک فرزند متولد شده در یک کشور صنعتی و پیشرفته (غنی) بیش از ۳۰ تا ۵۰ نوزاد متولد شده در کشورهای در حال توسعه به محیط زیست آسیب وارد می آورد. تلاش کشورهایی که وضعیت اقتصادی مناسب دارند از جمله ژاپن، کره جنوبی، چین و... برای دخالت دادن زنان در امور تصمیم گیری جهت حفظ محیط زیست و ارائه برنامه های دولتی و خصوصی جهت دادن آگاهی و آموزش به زنان بیانگر این مطلب است که وضعیت اقتصادی در نگرش مثبت به محیط زیست در مقایسه با عوامل اجتماعی از برتری برخوردار است و این در پژوهش حاضر تایید شده است. رفاه اقتصادی و درآمد بالا به معنای استفاده بیشتر از

ظروف یکبار مصرف، استفاده بیشتر از موادشوینده... و غیره که همه این آسیب‌های وارد شده به محیط زیست از وضعیت اقتصادی مناسب ناشی می‌گردد. حال اگر زنان از نظر اجتماعی مانند مشارکت در تصمیم‌گیری‌های دولتی در خصوص حفظ محیط زیست دخالت داشته باشند، بیشتر می‌توانند در این راستا قدم بردارند. براساس نگرش اکوفمینیستی زنان ارتباط نزدیکی با محیط زیست دارند و می‌توانند مشارکت و همکاری سازنده‌ای در حفظ محیط زیست داشته باشند.

پیشنهادات:

- ۱- فراهم کردن امکان مشارکت زنان، به ویژه زنان بومی، در تصمیم‌گیری مربوط به محیط زیست، در همه سطوح، به ویژه در مورد مدیریت، طراحی، اجرا، ارزیابی طرح‌های مربوط به محیط زیست
- ۲- هم‌آهنگ کردن افکار عمومی، نسبت به مسائل محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی، که زنان در آن بهره‌گیرنده‌اند
- ۳- آسان‌سازی دسترسی زنان به اطلاعات محیط زیستی
- تشویق کردن زنان برای شرکت در گروه‌های NGO که در عرصه حفظ محیط زیست فعالیت می‌کنند.
- ۵- گنجاندن مطالب مربوط به محیط زیست در کتب درسی بخصوص در دوره‌های ابتدایی
- ۶- استفاده بیشتر از رسانه‌های جمعی جهت ارتقاء آگاهی در خصوص حفظ محیط زیست

منابع

- آصفی راد، زهرا. (1378). بررسی نقش زنان روستایی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست. مجله اقتصاد جهاد کشاورزی و توسعه روستایی ص 25-40 شماره 226 سال نوزدهم
- افشارنادری، افسر. (1389) زنان و محیط زیست (1)، نتیجه‌گیری از یک بررسی سازمان حفاظت از محیط زیست، انسان‌شناسی و فرهنگ
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین. (1388). مشارکت و نقش زنان در حقوق بین الملل محیط زیست. تهران فصلنامه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان صص 53-75، شماره 3،
- سلطانی، محمود. (1378) زنان و ضرورت مشارکت آنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، فصلنامه محیط زیست، شماره 29
- طاهری، منصور، راحمی، شمسی ". (1388) ارائه راهکارهای ضروری در توسعه فرهنگ زیست محیطی"، اولین کنفرانس راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست
- فارسی منفرد، شهلا. (1388). فعالیتهای زیست محیطی زنان، انجمن زنان ایرانی طرفدار توسعه پایدار و محیط زیست
- محمدی، عباس. (1389) محیط زیست امری اجتماعی، انجمن کوه نوردان ایران 15، روز جهانی محیط زیست 15 خرداد.

- Cesar Chelala(2001). What women can do for the environment, The Japan Times, www.japantimes.co
- Huyen T.D.(""Women's Participation in Natural Resources Management and Environmental Protection in Vietnam"
- Ofei-Manu, Paul(2009). Gender and environment in Japanese workplace, international Journal of innovation and sustainable Development-vol,4,no2/3 pp.150-164
- Sen, K.(2001). Women and environment .
- Weeks, John Robert, (1991) Population: an introduction to concepts and issues , Department of Geography .San Diego State university

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال سوم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۹۱

صفحات: ۱۰۹ - ۹۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۸

بررسی علل و عوامل آثار جرایم جنسی علیه زنان در منظر قوانین حقوق کیفری ایران

منصور عطاشنه*

ابوالحسن بصیری نیا**

یوسف ابراهیمی نسب***

چکیده

موضوع ارتکاب جرایم جنسی از جمله آزار جنسی زنان کشورهای اسلامی در مقایسه با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای غربی، به دلیل وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی محدود است، ولی نفس ارتکاب این جرایم نشان از وجود آسیب‌هایی اجتماعی و فرهنگی دارد که لازم است با استفاده از رهیافت‌های دینی و کنترل اجتماعی دین و به‌ویژه سیاست جنایی اسلام، به صورت ریشه‌ای با آن مبارزه کرد. بی‌تردید خشونت و آزار جنسی زنان به عنوان یکی از انواع انحرافات اجتماعی، از عوامل مهم اختلال امنیت فرهنگی، اجتماعی، نظم و انتظام جوامع محسوب می‌شود و به همین دلیل نظام‌های مختلف حقوقی، راه‌کارها، تدابیر و اقدامات ویژه‌ای را در کنترل، برخورد و ریشه‌کن کردن آن اتخاذ می‌کنند. در این میان نظام حقوقی اسلام و سیاست جنایی متخذ از آن با انحرافات جنسی عموماً و خشونت و آزار جنسی خصوصاً به شدت برخورد می‌کند. این مقاله با ارائه تعریفی از خشونت، آزار جنسی و ذکر انواع آن، به بررسی اجمالی و تبیین احکام فقهی و مجازات‌های مقرر با تکیه بر حقوق کیفری ایران و مسئولیت دولتها در این زمینه پرداخته است. ضمناً با مشخص شدن خلاءهای قانونی، پیشنهادهای مناسب حقوقی هم ارائه شده است.

کلید واژگان: جرایم جنسی، حقوق کیفری، آزار جنسی، زنان.

* دانشگاه شهید چمران اهواز، استادیار گروه حقوق، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول، M_Atash1338@yahoo.com)

** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا، اهواز، ایران.

*** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، باشگاه پژوهشگران جوان، اهواز، ایران.

مقدمه

وسعت خشونت جنسی علیه زنان به گستردگی تاریخ بشر است. خشونت جنسی پدیده‌ای نو نیست و از جمله معضلاتی است که همواره بشر به آن مبتلا بوده است. بی‌شک خشونت و آزار جنسی علیه قشر زنان را می‌توان به عنوان یکی از انواع انحرافات اجتماعی و از عوامل مهم اختلال امنیت فرهنگی، اجتماعی، نظم عمومی، اخلاق حسنه و انتظام جوامع به شمار آورد. در این میان نظام‌های مختلف حقوقی، راهکارها، تدابیر و اقدامات ویژه‌ای را در کنترل، برخورد و ریشه‌کن کردن این دسته از جرایم اتخاذ می‌کنند. نظام حقوقی اسلام و سیاست جنایی متخذ از آن با انحرافات جنسی عموماً و خشونت و آزار جنسی خصوصاً به شدت برخورد می‌کند. تجاوز جنسی، معضلی در تمام جوامع است و هیچ کشوری در دنیا، فارغ از این مشکل نمی‌باشد؛ از آنجایی که خشونت جنسی علیه زنان در تمامی دورانهای تاریخ وجود داشته و همچنان در تمام ممالک متفکرین از آن رنج می‌برند. امروزه اعمال خشونت بر علیه زنان و آزار آنان به گونه‌های مختلف در جریان است که نوع شدید و پیچیده آن آزار جنسی زنان است که به شدت در حال گسترش است. جوامع بشری به‌خاطر رویگردانی از آموزه‌های آسمانی به شدت در گرداب فساد، غوطه می‌خورند و با این حال کمتر به فکر چاره‌اندیشی از طریق راه‌حل‌های دینی می‌باشند. ممکن است این پدیده در مورد کشورهای اسلامی نیز صادق باشد. گرچه موضوع ارتکاب جرائم جنسی از جمله آزار جنسی زنان در مقایسه با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای غربی، به دلیل وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی محدود است، ولی نفس ارتکاب این جرائم نشان از وجود آسیب‌هایی اجتماعی و فرهنگی دارد که لازم است با استفاده از رهیافت‌های دینی و مدل کنترل اجتماعی دین و به‌ویژه سیاست جنایی اسلام به صورت ریشه‌ای با آن مبارزه کرد. اسلام همانطور که زن را در جای جای تاریخ مقدس شمرد و چراغ روشنایی را در زمان جاهلیت و زنده به گور کردن دختران روشن کرد و در قرآن، کتاب آسمانیان ارزش و کرامت زن را در بیش از ۴۰۰ آیه بعنوان سکان دار خانه و خانواده و نه کالای جنسی که همواره در غرب و اکثر کشورهای غربی باندهای مخوف قاچاق زنان به چشم می‌خورد، معرفی کرد. خشونت علیه زنان تقریباً در تمامی طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژاد، سنی و جغرافیایی یافت می‌شود هر چند که این پدیده در میان برخی از گروه‌ها شایع‌تر است. هدف از انجام این تحقیق ارائه تعاریفی از جرم، خشونت، آزار جنسی، ذکر انواع آن، علل و عوامل آن، اقدامات انجام شده در مبارزه با این جرایم و تبیین احکام فقهی و مجازات‌های مقرر بوده و با مشخص شدن خلأهای قانونی، راهکارهای مناسب حقوقی هم ارائه گردید.

بزه دیده شناسی زنان

به رغم تأثیر جنسیت زن در اعمال مسئولیت کیفری در قوانین موضوعه کشور، در برخی کشورها این نوع مسئولیت تحت شرایط خاص و یا درمورد جرایمی معین نسبت به زنان مرتکب جرم، به مسئولیت مخففه^۱ تبدیل یافته و موجب تغییر عنوان مجرمانه (ماهیت جرم) و مجازات تقلیل یافته می‌گردد. درحالیکه در مقررات کیفری فعلی کشورما، اساساً مسئولیت مخففه، پیش‌بینی نشده و مسئولیت کیفری بر مبنای «مسئولیت» استوار می‌باشد. بنابراین در احراز عوامل رافع مسئولیت کیفری مانند جنون در زمان ارتکاب جرم و یا اکراه و اجباری که عادتاً قابل تحمل نبوده و موجب اختلال در اراده مرتکب شده و او را وادار به ارتکاب جرم نماید، قانوناً امکان پذیرش حالات بینابین و نسبی وجود ندارد. به سخن دیگر، قاضی رسیدگی کننده نمی‌تواند با احراز اکراه یا اجبار منجر به اختلال نسبی

^۱. Diminished Responsibility.

اراده مرتکب جرم، مسئولیت کیفری او را براساس مسئولیت مخففه تشخیص و بر مبنای مقررات قانونی، مجازات وی را تقلیل دهد. در مورد ابتلا به جنون در حال ارتکاب نیز با وجود اینکه در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی تصریح شده، جنون به هر درجه که باشد (هرچند جنون نسبی) رافع مسئولیت کیفری است، اما از آنجایی که جنون در قانون تعریف نشده و درجات آن مشخص نگردیده است، رویه قضایی براساس احراز جنون تام و عدم مسئولیت کیفری کامل استوار است و در مواردی که مرتکب جرم در زمان ارتکاب عمل مجرمانه به جنون نسبی مبتلاست، اگرچه با صراحت ماده ۵۱ قانون مرقوم می بایستی مجرم مبری از مسئولیت کیفری شناخته شود، اما اغلب، مرتکب دارای مسئولیت کیفری کامل شناخته می شود. به هر حال پذیرش مسئولیت مخففه از نوع آنچه در بالا بیان شده، جایگاه قانونی ندارد. لازم به ذکر است در قانون مجازات عمومی سابق، مطابق بند ب ماده ۳۶ آن قانون، ابتلا به اختلال نسبی شعور - قوه تمیز و اراده در زمان ارتکاب جرم - از موجبات تخفیف یا تبدیل مجازات مرتکب جرم به شمار می آمد، در حالی که در مقررات موضوعه فعلی در رسیدگی به جرم، چنین مقرراتی حتی در جرایم تعزیری پیش بینی نشده است و مقررات ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی درباره تأثیر اکراه و اجبار در جرایم تعزیری و مجازات های بازدارنده، ناظر به موردی است که اکراه و یا اجبار عادتاً قابل تحمل نباشد و تنها احراز این حالت، سبب زوال مسئولیت کیفری مرتکب (مکره و مجبور) می گردد. از این رو در صورتی که تأثیر اکراه و اجبار در ارتکاب جرم نسبی باشد، نمی توان قائل به پذیرش مسئولیت مخففه و تقلیل مجازات مرتکب شد و استناد به کیفیات مخففه ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی نیز فرع بر اصل پذیرش و مسئولیت کیفری کامل مرتکب جرم است. (ن.گ. قانون مجازات اسلامی ایران).

اما هدف از اشاره به این مباحث جزایی این است که زنان در زمان ارتکاب برخی جرایم ممکن است تحت شرایط خاص در موقعیت هایی قرار گیرند که این شرایط و وضعیت، موجب اختلال نسبی در اراده آنان در حال ارتکاب جرم گردد؛ به عنوان مثال حضور شوهر در صحنه جرم و یا مداخله غیر مستقیم وی ممکن است سبب انگیزش زن به ارتکاب جرم و در واقع تمکین او از نوعی اکراه معنوی برای ارتکاب جرم باشد. این نوع اکراه هر چند در حد اکراه «غیر قابل تحمل» نیست ولی نمی توان اثر انگیزشی آن را در ارتکاب جرم توسط زن نادیده گرفت. در برخی از نظام های کیفری مانند انگلستان، مقرراتی پیش بینی شده که براساس آن اثبات اینکه زنی جرمی را در حضور شوهر خود و تحت اکراه وی (و نه الزاماً اکراه غیر قابل تحمل) مرتکب شده است، می تواند دلیلی برای نفی مسئولیت کیفری مرتکب باشد و این نوع اکراه، در واقع اخلاقی و معنوی است و تنها در اتهام قتل عمد و خیانت به کشور پذیرفته نشده است. در کشور ما، با وجود تحولات فرهنگی و اجتماعی سالهای اخیر، فرهنگ غالب حتی در طبقات اجتماعی متوسط اکثراً مبتنی بر تمکین زن از وضعیت های ناهنجاری است که شوهر در آن قرار گرفته و یا خود شوهر باعث و بانی آن گردیده است. مانند اینکه زنی به ناچار برای شوهر معتاد خود مواد مخدر تهیه کند و یا به رغم اینکه شوهرش اموالی را سرقت نموده و یا به طرق نامشروع به دست آورده است، ناگزیر از قبول این اموال یا فروش آنها به غیر باشد. این نوع اکراه معنوی در پدیده مجرمانه ای چون قتل نیز به صورت مساعدت زن برای فرار شوهر از مجازات دیده می شود.

نظام قضایی

بی شک نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در راستای حفظ از کیان خانواده در برابر جرایم جنسی و آزار های جنسی توانست در اجرای فصل یازدهم از برنامه توسعه چهارم قضایی گامی موثر بردارد که طبق بند «د» ماده ۱۳۰ فصل یازدهم توسعه چهارم (۱۳۸۳)، قوه قضاییه موظف است

لایحه حمایت از بزه دیدگان اجتماعی را تهیه و به تصویب برساند. در توجیه این لایحه آمده است: هنگام وقوع بزه و جرم، فرد، افراد یا یک ساختار اجتماعی، مورد تظلم واقع شده و نهادهای دولتی و حاکمیتی باید افزون بر تحلیل علمی بزه کاری و مجرمیت، مجرم یا بزه کار را شناسایی کرده و با وی برخورد قانونی کنند. اقدام مهم دیگر در این خصوص، حمایت بزه دیدگان است. (قانون برنامه توسعه چهارم قضایی ۱۳۸۳)

نظام قانونی

امروزه بسیاری از نظام‌های حقوقی، اهمیت حمایت از زنان قربانی و جرایم‌های خانگی و در نتیجه مجازات مرتکبان آن جرایم‌ها را مورد شناسایی و توجه قرار داده‌اند. از آنجایی که جرایم جنسی غالباً در بین کسانی مطرح می‌شود که با یکدیگر رابطه صمیمانه و نزدیکی دارند، لذا مسئله برخورد با آن قدری پیچیدگی پیدا می‌کند و قانونگذار را بر سر این دو راهی قرار می‌دهد که آیا با این جرم همانند جرمی معمولی رفتار بشود یا اینکه به مسائلی چون مشاوره و سازش و آشتی اهمیت داده شود و برای برخورد با این گونه جرایم، از این ابزار، استفاده‌ای مؤثر به عمل آید. حال اگر با این جرم همانند جرمی معمولی برخورد شود، موضوع عدالت کیفری مطرح می‌شود که حمایت از این طریق در برخورد با جرایم‌های خانوادگی، بیانگر قدرت قانون در دستگیری، تعقیب و محکوم کردن توأم با مجازات مجرمین است که در واقع حاکی از محکوم کردن آشکار جامعه در مورد رفتار و عمل شخص سوءاستفاده کننده می‌باشد و مسئولیت فردی او را برای عملی که انجام داده است، مورد تصدیق قرار می‌دهد.

اقدام قانونگذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب‌های روانی بر وی در مواد ۶۴۲ و ۶۴۵ ق.م.ا. قابل تقدیر است.

از مصادیق قابل ستایش دیگر عملکرد قانونگذار در توجه به جنسیت بزه‌دیده، تدوین ماده ۶۱۹ ق.م.ا. و اعطای وصف کیفری به توهین کنندگان و مزاحمین اطفال و زنان در انظار است. مطابق این ماده هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. این ماده از چند جهت قابل توجه است، از یک طرف عمل مزاحمت در معابر و خیابان‌ها را که نسبت به مردان فاقد جنبه کیفری بود، نسبت به زن قابل مجازات دانسته است. ذکر عنوان مزاحمت بی‌هیچ قید و شرطی سبب می‌شود هر عملی که در نظر عرف موجب به زحمت انداختن دیگری شود در حیطه ماده ۶۱۹ ق.م.ا. قرار گیرد و از سوی دیگر اهانت به زن در معابر و خیابان‌ها مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به توهین ساده دانسته شده است. مهمترین نکته در ماده ۶۱۹ ق.م.ا. اعطای جنبه عمومی به عمل مرتکب و غیر قابل گذشت بودن جرم است. از نظر مقنن، تعرض به اطفال و زنان در انظار عمومی آنچنان زشت است که حتی گذشت شاکی خصوصی نیز نمی‌تواند مجرم را از تعقیب و مجازات معاف سازد. البته عدم توجه به رابطه و قرابت بزهار و بزه‌دیده در ماده ۶۱۹ ق.م.ا. از نقایص این ماده است.

خشونت علیه زنان

در سال ۱۹۹۳ در گردهم آیی همگانی سازمان ملل برای اولین بار تعریفی از سوءاستفاده بر مبنای جنسیت پیشنهاد شد. طبق ماده ی یک این اعلامیه؛ «خشونت علیه زنان، شامل هر عمل خشنی است که

مبنای جنسیتی داشته باشد و منجر به آزار جنسی، فیزیکی و روانی برای زنان شود و در نهایت منجر به سلب آزادی آنان، هم در زندگی خصوصی و هم در زندگی اجتماعی شود» (راشل جو کیز، ۱۹۹۹)

کمیته ی ملی خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۱ در کشور استرالیا این مسئله را به این صورت تعریف می کند: «رفتاری که به وسیله ی مردان برای کنترل قربانی شان اعمال و باعث آسیب های روانی، فیزیکی و جنسی می شود و انزوای اجتماعی و یا محرومیت اقتصادی و رفتاری را در پی دارد، به گونه ئی که زن در ترس و وحشت زندگی می کند» (انستیتو مطالعاتی استرالیا، ۱۹۹۴).

جدا از سوءاستفاده های عاطفی و فیزیکی شناخته شده ی فرهنگی، این چنین رفتارهایی می تواند شامل نابودی مالکیت، تهدید، اذیت و استهزا باشد. عنصر کلیدی در تمامی این اعمال کنترل یا مترادف آن قدرت است. در سال ۱۹۹۶ مطالعه ی سلامت زنان، روی دادها و حوادث فیزیکی و جنسی خشونت علیه زنان را در طی ۱۲ ماه سال ۱۹۹۶ در استرالیا اندازه گیری نمود و خشونت علیه زنان را شامل هر حادثه ئی تعریف نمود که دربرگیرنده ی اقدام یا تهدیدی جسمی و جنسی باشد که از سن پانزده سالگی برای زنان رخ دهد و هم چنین حمله ی جنسی که از ماهیت جنسی بر علیه زنان برخوردار باشد و با استفاده از زور فیزیکی اعمال شود (سالنامه ی استرالیا، ۱۹۹۸).

خشونت علیه زنان در ابعاد وسیع خود شامل خشونتی است که هم در داخل خانه و هم خارج از خانه در محدوده ی خانوادگی اتفاق می افتد. در هر صورت، شکی نیست که علل اصلی این نوع خشونت ها را باید در نابرابری قدرت جست و جو نمود. خشونت فقط حمله ی فیزیکی نیست و انواع رفتارهایی را شامل می شود که مردان به قصد کنترل و ارباب زنان در پیش می گیرند. وسعت دامنه ی کنترل و اربابی که مردان بر زنان اعمال می کنند، تنها زمانی آشکار می شود که آزار جنسی، حرکات تهاجمی، توهین و رفتارهای دیگری را که مردان برای مهار کردن زنان ابداع کرده اند در نظر بگیریم (نجم عراقی، ۱۳۸۰).

ابعاد وسیع خشونت علیه زنان و تبعات آن بویژه پس از جنگ جهانی دوم، سرآغاز شکل گیری تحولات فکری و جنبش های اجتماعی زنان برای رفع خشونت و تبعیض نسبت به زن شد. نهادهای بین المللی، قاره ای و منطقه ای همچون سازمان ملل و ارگانهای وابسته به آن، سازمانهای دفاع از حقوق بشر و سازمانهای غیر دولتی نیز در چند دهه اخیر به این کارزار رو به گسترش پیوستند و بررسی ابعاد و اشکال خشونت و تبعیض علیه زنان، پیامدها و تاثیرات آن را بر سلامت و زندگی فردی و اجتماعی زنان و کودکان در دستور کار خود قرار دادند. نتیجه این روند تشکیل صدها سازمان و نهاد کوچک و بزرگ در سطح محلی یا منطقه ای و جهانی، آکادمیک و غیر آن، هزاران نشست، فراخوان و کنفرانس، تهیه و صدور گزارش های بیشمار، اعلامیه، قطعنامه، توصیه نامه، بوده است. با این چشم انداز که با اقدامات دولتها و البته نهادهای مردمی و اجرای برنامه های مستمر و آینده نگر، خشونت و تبعیض علیه زنان در زندگی فردی و اجتماعی آنان مهار شود. در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار جامعه بین المللی حقوق بشر به طور رسمی خشونت علیه زنان حتی در زندگی خصوصی خانواده ها را به عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت. در طول سال ۱۹۹۳ در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، حقوق زنان و دختران به عنوان جزء لاینفک حقوق بشر اعلام شد و جرایم جنسی و همه اشکال آزار و بهره کشی جسمی، جنسی و روانی ناشی از تبعیض، تعصب فرهنگی و

². SekweJ LehcaR.

³. Etutitsni NailartsuA.

⁴. AilartsuA, KooB RaeY.

قاچاق بین‌المللی زنان، مغایر با کرامت و حرمت انسان شناخته شد. مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ در هشتماد و سومین جلسه عمومی دوره پنجاه و چهارم خود و براساس گزارش کمیته سوم اجرایی و با توافق نمایندگان ۷۹ کشور عضو، قطعنامه تعیین روز ۲۵ نوامبر به عنوان روز جهانی حذف خشونت علیه زنان را تصویب نمود. این قطعنامه بنا برپیشنویسی که دو ماه پیش از آن توسط نماینده دومینیکن از سوی نمایندگان ۷۴ کشور به کمیته سوم اجرایی مجمع عمومی پیشنهاد شده بود، صادر شد. براساس مفاد پیشنویس مزبور که عنوان روز جهانی حذف خشونت علیه زنان را بر خود داشت، مجمع عمومی، سازمانها و نهادهای بین‌المللی ذریبط را به سازماندهی فعالیتهایی گسترده در طرح مسئله جرایم علیه زنان در آن روز دعوت می‌نماید. پیشنویس خاطرنشان می‌کند که اعمال خشونت‌های مزمن علیه زنان فرصتهایی را که آنان برای به دست آوردن برابریهای حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه دارند نابود می‌کند. این پیشنویس از مجمع می‌خواهد تا بر مفهوم عبارت خشونت علیه زنان به صورت زیر تأکید مجدد نماید. خشونت علیه زنان به معنی هرگونه خشونت براساس جنسیت که نتیجه و یا پیامد احتمالی آن صدمه یا آزار فیزیکی، جنسی یا روانی زنان را در برداشته باشد، صرفنظر از اینکه در محیط‌های عمومی و یا در زندگی خصوصی رخ دهد. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید یا اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد. (هشتماد و سومین جلسه عمومی مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹).

آثار و عواقب خشونت علیه زنان

بیان عواقب و پیامدهای خشونت علیه زنان، به دلیل عدم دسترسی به آمار و اطلاعات کافی در این زمینه و نیز به دلیل نامرئی بودن و دور از چشم بودن بعضی از این اعمال خشونت بار، شاید قدری مشکل به نظر برسد، اما قدر مسلم آن است که خشونت علیه زنان در خانواده، تجاوز و سوءاستفاده جنسی از کودکان باعث می‌شود تا زنان سلامت و اعتماد به نفس و امید به زندگی خود را از دست دهند. این اعمال علاوه بر تخریب زندگی زنان، بر مراقبت خلاقانه و متعهدانه مادران نسبت به کودکان، برصمیمیت واقعی مردان و مشارکت آنها، مسئولیت‌پذیری زنان و نیز مشارکت قلبی و صمیمانه افراد، آثار سوئی برجای می‌گذارد. به طور کلی خشونت علیه زنان پیامدهای بسیار نامطلوبی دارد، از جمله: شاید بتوان مهمترین اثر نامطلوب خشونت نسبت به زنان را خدشه وارد کردن به کرامت ذاتی و انسانی زنان دانست. چرا که این اعمال خشونت بار، منافی حیثیت و ارزش انسانها می‌باشند و در نتیجه، بر خورداری زنان را از حقوق بشری و آزادیهای بنیادین و اساسی، نقض، تضییع و یا سلب می‌کنند و تجاوزی آشکار به بهره‌مندی زنان از آن حقوق و آزادیها محسوب می‌شوند که بالطبع مانعی فرا روی اهداف برابری جنسیتی، توسعه و صلح می‌باشند.

از دیگر عواقب خشونت علیه زنان، ایجاد ترس و عدم امنیت در زندگی زنان را می‌توان نام برد. با توجه به اینکه خشونت علیه زنان، تجلی مناسبات نابرابر میان زن و مرد در طول تاریخ در برخورداری از قدرت است، یکی از سازوکارهای مهمی است که زنان را وادار به پذیرش موقعیتی فرورتر از مردان می‌کند.

خشونت جنسی به دلیل تأثیری که بر توانایی و عملکرد زنان در محیط خارج دارد، می‌تواند در توسعه اجتماعی و اقتصادی وقفه ایجاد کند. شواهد جدید از ایالات متحده آمریکا حاکی از این است که بقایای آزار جنسی می‌تواند زنان را در سطوح پایین‌تر تحصیلات نگه دارد، در نتیجه باعث کاهش درآمد برای آنان در آینده شود. آنان از این آزار می‌آموزند که جهان خارج خطرناک است، بنابراین مشارکتشان را در آن محدود می‌کنند. خشونت علیه زنان می‌تواند از طریق تأثیر آن بر شرکت زنان در طرح‌های توسعه، مانع پیشرفت جامعه‌های گسترده‌تر شود. در یک بررسی، دفتر ملل متحد برای

پیشرفت زنان (یونیفم) واقع در مکزیکوسیتی متوجه شد که دلیل اصلی توقف شرکت زنان در طرح‌ها، تهدید مردان است. مردان، توانمندی فزاینده همسران خود را تهدیدی برای سلطه خود تصور می‌کردند و در تلاش برای وارونه کردن این روند، زنان را کتک می‌زدند. مطالعات قربانیان خشونت خانگی در پرو و همچنین کارگران تولید پوشاک در مکزیک حاکی از آن است که مردان اغلب برای گرفتن درآمد زنان، آنان را کتک می‌زنند و بدین ترتیب زنان برای دوری از خشونت می‌آموزند رفتارشان را به آنچه محدود کنند که مورد قبول شوهر یا شریک جنسی‌شان باشد. به همین ترتیب ترس از خشونت از سوی فرد غریبه نیز مشارکت زنان را در زندگی اجتماعی محدود می‌کند. در دنیای رو به توسعه، این ترس - مشخصاً زنانه - می‌تواند تأثیرات غیرقابل انتظار و غافلگیر کننده‌ای داشته باشد.

خشونت علیه زنان به ویژه در محیط خانواده، پیامدهای جدی و جبران‌ناپذیری نیز بر کودکان برجای می‌گذارد که این کودکان دارای نشانه‌هایی از استرس‌های آسیب‌زا و اختلالات رفتاری و عاطفی خواهند بود. براساس بررسی‌های انجام شده در بسیاری از موارد در کودکانی که شاهد خشونت خانگی بوده‌اند، علائم مشابه با کودکانی که مورد سوء استفاده جسمی یا جنسی قرار گرفته‌اند مشاهده می‌شود. احتمال پذیرفتن خشونت به عنوان بخش طبیعی از زندگی زناشویی، توسط دختران شاهد خشونت پدر یا ناپدری با مادرانشان، نسبت به دخترانی که در خانه‌های غیرخشن زندگی می‌کنند، بیشتر است. از طرفی پسرانی که شاهد اعمال همان خشونت‌ها بوده‌اند احتمال بیشتری دارد که در بزرگسالی نسبت به شریکشان خشونت کنند.

هر کدام از اشکال خشونت علیه زنان از قبیل ایذاء زن توسط شوهر و شریک جنسی، خشونت جنسی، تجاوز و یورش جنسی، سوء استفاده جنسی از کودکان، نوجوانان و... دارای عواقب سوء و تأثیرات منفی فراوانی بر قربانیان خود می‌باشند. نتایج و عواقب خشونت علیه زنان، بر خورد‌های قاطع بین المللی و ملی در رابطه با ریشه‌کنی خشونت علیه زنان، چه در محدوده زندگی خصوصی و چه در محدوده زندگی عمومی را طلب می‌کند. به طور کلی مسئولیت دولت‌ها در رابطه با اعمال حمایت در زمینه ایمنی و سلامت فردی زنان و ریشه‌کنی و امحای خشونت علیه آنها، بر پایه این مسئولیت شناخته شده جهانی قرار دارد که دولت‌ها باید به حقوق بنیادین بشری تمام افراد جامعه، چه مرد و چه زن احترام بگذارند و رعایت آن حقوق و آزادیهای اساسی بشری را تضمین کنند تا بتوانند از استعدادها و قابلیت‌های کامل نیمی از اعضای جامعه خود، بیش از پیش بهره‌مند شوند.

بحث و نتیجه گیری

خشونت آنگونه که در افکار عمومی تصور می‌شود، فقط محدود به پرخاشگری و تعرضات جسمی و فیزیکی نیست. اکثر مردم، کتک زدن و زخمی کردن و درگیریهای فیزیکی را به عنوان مظهر خشونت معنا می‌کنند در حالیکه دامنه تعریف و وجوه عینی خشونت لایه‌های گسترده تری از رفتار انسانی را دربرمی‌گیرد. لایه‌های درونی آدمی که پس‌کردار او پنهان می‌ماند و به شکل ناخودآگاه در ساختار زبانی خود را لو می‌دهد. خشونت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و براساس گفتمان فرهنگی جامعه بنیان نهاده می‌شود. در واقع هویت و ریشه‌یابی خشونت ورزی را باید در ساختار فکری فرهنگی جامعه جستجو کرد. خشونت گرچه در مناسبات اجتماعی و فردی انسان‌ها بروز می‌یابد، اما بیش از آن در الگوی رفتاری و ساختار فرهنگی جامعه به رسمیت شناخته شده و مبتنی بر انسان‌شناسی و فلسفه اجتماعی هر جامعه و البته تجربیات تاریخی یک تمدن خاص بنا می‌شود. اگرچه خشونت، جنسیت نمی‌شناسد اما همواره دو گروه از آدمیان یعنی زنان و کودکان بیش از مردان قربانی خشونت شده‌اند. البته با توسعه و رشد تمدن بشری و گسترش فرهنگ مدرن،

خشونت علیه زنان کمتر شده و دست کم مقرراتی برای محدود کردن و کنترل خشونت فیزیکی علیه آنان تدوین شد و اقدامات جنبش های طرفدار حقوق زن تا حدود زیادی توانست خشم بی منطق علیه زنان را تعدیل کند.

با بررسی مقررات حقوق کیفری ایران مشخص می شود که قانونگذار در خصوص تعریف جرم، احراز آن و تعیین مجازات بین جنس مذکر و مؤنث تفکیکی نکرده است ولی هنگام اجرای مجازات به ویژه مجازات های شرعی، تفکیک جنسیتی وجود دارد. در نقطه مقابل بزهکاری یعنی بزه دیدگی، جنسیت، مورد توجه ویژه ای بوده است به طوری که قانونگذار در جهت حمایت از بزه دیدگان، جنسیت را در نظر گرفته است. در واقع مقنن به طور عرضی از حقوق زنان حمایت بیشتری کرده است. آنجا که جرایم جنسی ماهیت انسانی جوامع را مورد هدف قرار می دهد، موجب هلاکت حرث و نسل می شود؛ بنیان خانواده ها را متزلزل و زمینه ساز انواع جرایم و مفسد دیگر در جامعه می شود و در صورت عدم اقدام مناسب، اینگونه جرایم به سرعت گسترش می یابد و همه گروه های سنی را دربر می گیرد.

نگاهی به ادله اثبات دعوا در حدود و جرایم جنسی نشان می دهد که شرع مقدس اسلام در اثبات حد برای جرایمی همانند: لواط، زنا و... سخت گیری کرده است و به عبارتی درصدد عدم طرح و اشاعه آن در جامعه بوده و سعی بر پوشاندن آن نیز داشته است و از همین جهت با تعیین توبه به عنوان یکی از مسقطات مجازات، گناهکاران را به حضور در پیشگاه خداوند و توبه در نزد آن ناظر فراخوانده است.

توجه نسل جوان در زمینه آسیب های روانی و اجتماعی روابط نامشروع جنسی، آموزش نحوه استفاده از حجاب اسلامی و مراعات حریم عفاف به دختران جوان، تسهیل امر ازدواج و تشکیل خانواده، حمایت های ویژه از قربانیان خشونت جنسی و... از یک سو و تدوین قانون جامع جرایم جنسی، تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به پرونده های خشونت جنسی، ایجاد واحدهای ویژه مشاوره و مددکاری و روان درمانی بزه دیدگان و بزه کاران، از سوی دیگر و همچنین توجه و تقویت نیروهای انتظامی و پلیس در کل مجموعه اقدامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، انتظامی و قضایی، می تواند اقدامات مناسبی در جهت کنترل آزار و خشونت جنسی محسوب شوند.

پیشنهادات

- تعمیق باورها و ارزش های دینی، اخلاقیات، پایبندی به اجرای احکام و حدود الهی، تقویت کنترل درونی و پرورش پاکدامنی و ایجاد مصونیت در برابر آسیب های اجتماعی؛
- اصلاح نگرش جامعه نسبت به شأن و کرامت زن و رعایت حقوق اسلامی انسانی زن و ارتقاء آگاهی های اجتماعی در خصوص مصادیق ظلم و اجحاف به زن در نظام اسلامی؛
- تسهیل امر ازدواج و تامین نیازهای اساسی جوانان از طریق هماهنگی و ساماندهی امکانات دولتی و غیردولتی ذی ربط؛
- ضرورت توجه به تامین نیازهای عاطفی و روانی دختران و زنان در خانواده و تقویت ارتباط میان خانه و مدرسه و رفع مشکلات اخلاقی و رفتاری فرزندان؛
- آشنا نمودن دختران و پسران با آیین همسر داری، حقوق و تکالیف یکدیگر در خانواده؛
- توسعه اقتصادی و تامین امکانات زندگی در شهرهای کوچک جهت جلوگیری از مهاجرت نیروی کار به سوی شهرهای بزرگ و افزایش دامنه آسیب ها؛
- تقویت فرهنگ حمایت اقتصادی از زنان توسط خانواده خصوصاً همسر در حین زندگی و بعد از آن؛

- استخراج خلاءهای قانونی و حقوقی موثر در وقوع تخلفات و جرایم مختلف از سوی زنان و تصویب قوانین موثر جهت کاهش جرم؛
- انجام حمایت های لازم قانونی نسبت به حقوق زنان و دختران در معرض آسیب جسمی، روحی و جنسی در خانواده و اجتماع توسط دستگاه قضایی و انتظامی.

منابع

قرآن کریم.

آبوت، پاملا؛ والاس، کلر، جامعه شناسی زنان. ترجمه ی منیژه عراقی ، (۱۳۸۰) نشر نی، تهران.

اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۶) حقوق بین الملل کیفری، چاپ اول، نشر میزان، تهران.

خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰) ق. (تحریر الوسيله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، جلد دوم، قم.

شامیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۴) حقوق جزای عمومی، چاپ دوازدهم، نشر ژوبین، تهران.

عمید، حسن، (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران.

محبی، سیده فاطمه، " (۱۳۸۰) آسیب شناسی اجتماعی زنان، خشونت علیه زنان "، کتاب زنان، ۱۴.

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، (۱۴۱۳) ق. (فقه الحدود و التعزیرات، چاپ اول، مکتبه امیرالمومنین،

قم.

ولیدی، محمد صالح، (۱۳۷۲) حقوق جزای عمومی، جلد سوم، نشر داد، تهران.

قانون مجازات اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران.

Report of the Expert Group Meeting on Measures to Eradicate Violence Against Women.
(MAV/1993/1, New york, 1993).

Confronting Violence,(1987)A Manual for Commonwealth Action,Women and Development
Programme Human Resource Development Group,Commonwealth Secretariat.